

ابراهیم حکیمی، پزشکی روشنفکر و سیاستمدار (باز خوانی زندگی سیاسی حکیم الملک

در دوران نخست وزیری)

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

محلات - ایران

نیلوفر موسوی

کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

محلات - ایران

چکیده

ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) از رجال معروف دوره قاجاریه و پهلوی است. حکیمی برادر زاده و داماد میرزا محمود خان حکیم الملک وزیر سابق دربار مظفرالدین شاه قاجار بود که بعد از فوت وی لقب او را به ارث برد. حکیم الملک برای انجام تحصیلات در علم طب به فرانسه رهسپار شد و پس از انجام تحصیلات به ایران مراجعت نمود. حکیم الملک یکی از رجال تاریخ مشروطیت ایران است. و با نفوذی که در دربار داشت نقش مهمی در انقلاب و اعاده مشروطیت ایفا نمود. حضور او در انجمن های انقلابی و در میان مشروطه خواهان آن دوران چشمگیر بود. حکیمی چند بار به نمایندگی مجلس شورای ملی و به دفعات به وزارت رسید و سه بار هم مأمور تشکیل کابینه شد. همچنین در دوره پهلوی دوم مدتی وزیر دربار بود. در مجلس سنا در ادوار اول و دوم هم به عنوان سناتور به مجلس راه یافت وی در تمام طول عمر عهده دار مناصب مهم بود. **کلید واژگان:** حکیم الملک، ابراهیم حکیمی، مشروطیت، مجلس شورای ملی، وزارت، کابینه.

مقدمه

ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) در سال ۱۲۸۸ هجری قمری برابر با ۱۲۵۲ شمسی متولد شد. و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در دارالفنون به پاریس رهسپار و در رشته طب تحصیل نمود و سپس به ایران بازگشت و به واسطه عمومیش که وزیر دربار مظفرالدین شاه بود وارد دربار شد تا پایان عمر عهده دار مناصب مهم زیادی بود.

از این رو بررسی زندگانی وی از جهاتی جایز اهمیت است. از حوادث دوران زندگی حکیم الملک می توان به انقلاب مشروطیت، تشکیل پارلمان، تغییر سلطنت قاجاریه به پهلوی، جنگ جهانی اول، وقایع آذربایجان و اشغال ایران اشاره نمود.

بررسی زندگانی سیاسی حکیمی می تواند نقاط مبهم زندگی سیاسی وی و بخشی از تاریخ این دوره را شفاف تر نماید.

مقاله حاضر به بررسی دوران نخست وزیری حکیمی می پردازد.

پیشینه خانوادگی و تحصیلی ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)

ابراهیم حکیم الملک فرزند ابوالحسن حکیم باشی، پسر میرزا علی نقی، پسر میرزا حسن بروجردی است و در سال ۱۲۸۸ قمری تولد یافت (بزرگ امید، ۲۹۱:۱۳۶۳). پدر ابراهیم حکیمی (ابوالحسن حکیم باشی) از اطبای درجه اول ولیعهدی مظفرالدین شاه و در فن طب قدیم شخص اول عصر خود در آذربایجان (علوی، ۴۵:۱۳۸۵) و از مالکین بزرگ بود (سرمه، ۲۹۴:۱۳۷۲).

ابراهیم خان نوجوان بود که پدرش در گذشت (اتحاد، ۲۶۱:۱۳۷۵). میرزا محمود خان حکیم الملک (عموی ابراهیم خان) طبیب و از جمله مقربان مظفرالدین میرزای ولیعهد بود (یغمایی، ۳۴:۱۳۴۹) و به نوبه خود در مزاج شاه نفوذ داشت (مستوفی، ۲۹۰:۱۳۷۱) و از مشاورین قابل اعتماد و طرف توجه فوق العاده شاه بود (محمود، ۱۶۸۹:۱۳۶۱).

ابراهیم خان در سال ۱۳۰۶ قمری تحصیلات مقدماتی (فارسی، عربی) را در تبریز به پایان رساند. و پس از فوت پدرش برای ادامه تحصیل در دارالفنون به تهران رهسپار شد (یغمایی، ۳۴:۱۳۴۹). چهارسال در دارالفنون ناصری به تحصیل پرداخت (صفایی، بی تا: ۹۳). در این زمان علاوه بر تکمیل زبان و ادبیات مقدمات طب و علوم طبیعی را نیز آموخت در سال ۱۳۰۹ قمری جمعی از بزرگان و روشنفکران بر آن شدند که پسران جوان خود را برای کسب دانش به اروپا بفرستند. ابراهیم خان که به کسب علم شور و شوق

بسیار داشت در سال (۱۳۰۹ق) به تبریز رفت و از عمویش میرزا محمود خان حکیم الملک خواست که اجازه سفرش را از ولیعهد (مظفرالدین میرزا) بگیرد (اطلاعات ماهانه، ش ۱، ۱۰: ۱۳۲۷) و در سال (۱۳۱۰ق-۱۸۹۲م) از راه قفقاز و روسیه عازم فرانسه شد و در دانشگاه شهر پاریس به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت (هاشمیان، ۴۵۸: ۱۳۷۹). در سال ۱۲۲۸ ق که مظفرالدین شاهبه اتفاق میرزا علی خان امین السلطان صدر اعظم به اروپا رفت ابراهیم خان به حضور شاه رسید و به علت سوابق خدمت گذاری خانواده اش مورد عنایت شاه قرار گرفت (چرچیل، ۶۹: ۱۳۶۹) و از سوی مظفرالدین شاه نشان شیر و خورشید را دریافت نمود.

بازگشت به ایران (ورود به عرصه سیاست)

دکتر ابراهیم خان در اولین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ به خواست شاه جزء ملتزمین رکاب او شد (اطلاعات ماهانه، ش ۱، ۱۱: ۱۳۲۷) و به عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین شاه به خدمت او درآمد (روزنامه ایران سلطانی، ش ۲: ۱۳۲۱، ۱۹) و پس از فوت حکیم الملک (میرزا محمود خان) پدر زن و عمویش لقب وی را دریافت نمود (کریم سلیمانی، بی تا: ۲۱). حکیم الملک در فعالیت هایی که از سوی مشروطه خواهان صورت می گرفت شرکت داشت و با آنان همکاری نزدیکی نمود. (اطلاعات ماهانه، ش ۱، ۱۸: ۱۳۲۷) و از حامیان فعال انقلاب مشروطیت شد. (ابراهامیان، ۱۱: ۱۳۷۸)

پس از استقرار مشروطیت و استقرار مجلس حکیمی به عنوان نماینده در ادوار اول و چهارم مجلس شورای ملی از سوی مردم تهران (ملکزاده، ۱۵۱: ۱۳۳۲) و در دوره دوم و سوم از سوی مردم آذربایجان به مجلس رفت. (خواندنی ها، ش ۱۹، ۲۱: ۱۳۳۸) در سال ۱۳۲۸ ق (۱۲۸۲ ش) برای اولین بار به وزارت (کابینه مستوفی الممالک) منصوب شد (مرد امروز، ش ۱۳۱، ۳: ۱۳۲۶). از آن پس در کابینه های مختلف به عنوان وزیر (مالیه، عدلیه، خارجه، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه) معرفی شد.

حکیمی در مسند نخست وزیری

پس از سقوط کابینه سهام السلطان بیات در فروردین ۱۳۲۴، بحرانی شش هفته ای پدید آمد. (اطلاعات، ش ۵۷۳۶، ۱: ۱۳۲۴). حکیمی در آن ایام از وجهه ملی برخوردار بود. فردی بود وطن پرست و نقطه ضعفی هم نداشت اهل زد و بند هم نبود که تصور شود که روی تلاش

شخصی انتخاب شده است. راه زدوبند پارلمانی را هم نمی دانست بطور کلی برای جنجال ساخته نشده بود. حکیمی با این خصوصیات مورد تمایل اکثریت نمایندگان دوره چهاردهم قرار گرفت. نباید فراموش کرد که مجلس چهاردهم از ادوار متشنج قانونگذاری بود (سالنامه ، ش ۲ ، ۲۷۸ : ۱۳۴۸).

نمایندگان مجلس تصور می کردند می توانند به حکیمی که بی سروصدا و آرام بود هر تقاضایی را بقبولانند. حکیمی سرگرم مطالعه و بررسی برای انتخاب وزیران کابینه خود بود که ترومن رئیس جمهور آمریکا طی نطقی پایان جنگ دوم را به جهانیان اعلام داشت. دولت حکیمی هم اعلامیه ای مبنی بر اعلام پایان جنگ و تبریک انتشار نمود (صفایی ، ۱۰۰).

حکیمی با اکثریت آراء سعی کرد یک حکومت ملی فارغ از سیاست های فرقه ای تشکیل دهد. اما اغلب گروهها را ناراضی می ساخت (ریاحی ، ۳۹۵ : ۱۳۷۱) وی در نطقی که در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ (جمادی الثانی الاخر ۱۳۶۴ هجری قمری) در مجلس ایراد کرد بر تاکید رعایت اصول مشروطیت و پیروی از آن خواهان همکاری صمیمانه نمایندگان شد و اجرای دقیق قوانین مصوب مجلس شورای ملی را وظیفه اصلی دولت خواند و حل و فصل مشکلات دولت را در همکاری دولت و مجلس دانست و از جمله برنامه های دولت را تجدیدنظر در مالیات ها، بهبود فلاح، بهبود و وضع کارگران، تجدیدنظر در قانون استخدام دولتی ، تهیه زمینه کاری برای بیکاری و اصلاح و تکمیل قوای تامینیه برای استقرار امنیت کشور عنوان کرد (اطلاعات ش ۵۷۵۸ ، ۱۳۲۴:۱). هنگامی که حکیمی برای کسب رای اعتماد برای دولت خود به مجلس رو کرد خود را با نارضایتی عمومی مواجه دید (ابراهیمیان ، ۱۳۷۶:۲۰۲).

بنابراین دولت حکیمی حتی پیش از آنکه به طور رسمی شروع به کار کند ساقط شد. (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی ، دوره چهارم ، ۲۵۶ - ۲۹۶ : ۱۳۲۴)

نمایندگان اکثریت پس از کنار گذاشتن حکیمی با هم سازش کردند و بدون دعوت اقلیت یا منفردان شصت نفر در مجلس گردآمده به زمامداری صدرالاشراف ابراز تمایل نمودند (اطلاعات، ش ۵۸۱۶ ، ۱ : ۱۳۲۴) اما هربار که صدر می کوشید کابینه اش را به مجلس معرفی کند اقلیت از حضور در جلسه خودداری می کردند. محسن صدر در ۱۲ مهر ۱۳۲۴ استعفا داد (اطلاعات ، ش ۵۸۸۹ ، ۱ : ۱۳۲۴).

در جلسه دوم آبان ۱۳۲۴ نمایندگان برای دومین بار تمایل خود را با ۷۵ رای از ۹۴ تن عده حاضر در مجلس به ابراهیم حکیمی ابراز نمودند (حکیمی ، ۴۲ ، ۱۳۸۱) . حکیمی این بار سعی کرد دولتی مورد توجه اکثریت و اقلیت روی کار بیاورد و در ۱۳ آبان ۱۳۲۴ اعضای کابینه خود را معرفی و برنامه های دولت خود را بیدن شرح اعلام نمود:

حسن مناسبات در سیاست خارجی، تکمیل و اصلاح قوای تامینیه ، تعدیل بودجه و تجدیدنظر در مالیاتها ، اجرای سازمان جدید وزارت بهداری ، تجدیدنظر در قانون تشکیلات مملکت ، شروع انتخابات دوره پانزدهم، توسعه راه سازی و خطوط راه آهن (سالنامه دنیا، ۲۹، ۸۱: ۱۳۵۲).

کابینه حکیمی از ابتدا با چند مشکل بزرگ روبرو بود. مشکل تخلیه ایران که شورویها حاضر به تخلیه نبودند. مشکل آذربایجان که فرقه دموکرات ایجاد کرده بود که سرانجام به تشکیل مجلس ملی و ارتش خلق آذربایجان و خلع سلاح ارتش مرکزی منجر گردید. بالاخره اصلاح وضع غیرعادی که حکومت صدرالاشراف به وجود آورده بود(خامه ای ، ۴۵۱ : ۱۳۷۲) .

حکیمی نخست کوشید وضع را به حالت عادی بازگرداند تا تبلیغاتی را که درباره اختناق مطبوعات و احزاب صورت گرفته بود، خنثی کند. آذربایجان از زمان حکومت صدر بی استاندار مانده بود(فرمانفرمائیان ، ۱۹۶ : ۱۳۲۷) . در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دولت ملی آذربایجان رسماً در تبریز اعلام موجودیت کرد و مجلس ملی آذربایجان رسماً در تبریز گشوده شد و مجلس ملی آذربایجان در حضور کنسول شوروی گشایش یافت و جعفر پیشه وری(رهبر نهضت خودمختاری آذربایجان) به عنوان نخست وزیر کابینه ۱۰ نفری خود را معرفی کرد (مقصودی ، ۷۳ : ۱۳۸۰) .

حکیمی با این هدف که نمایندگان را در مسئولیت سهیم کند و آنان را مستقیماً در سیاست دولت نسبت به آذربایجان مشارکت دهد، از مجلس دعوت کرد که شانزده نماینده از کلیه فراکسیونهای موجود تعیین شوند تا کمیسیونی برای بررسی تشکیل دهند. همچنین یک شورای عالی ملی با عضویت خود حکیمی ، صادق صادق ، منصور، علیرضا قره گوزلو برپا شد شخصیت های مزبور به هواداری از انگلیس شهرت نداشتند و اکثراً از اطمینان روسها برخوردار بودند (عظیمی ، ۱۷۷ : ۱۳۷۲) اقدامات دیگر حکیمی در این زمینه شامل برکناری غلامحسین ابتهاج شهردار تهران و انتصاب بیات به جانشینی وی بود. تدابیر حکیمی برای تاثیر بر روسها کفایت نکرد

و رقیب عمده وی قوام فعالیت خود را برای نیل به نخست وزیری آغاز نمود (اتایکی، ۱۴۷ : ۱۳۷۶)

شورای امنیت برحسب مقررات به طرفین (روسیه و ایران) توصیه نمود بطور خصوصی قضیه را حل کنند. چون سفارت روس در ایران خالی از اعضای رسمیش بود، حکیمی به مجید آهی (وزیر مختار ایران در مسکو) تلگراف کرد و اظهار تمایل نمود که خود همراه نجم الملک وزیر خارجه به شوروی برود و توصیه شورای امنیت را عملی کند در خواست حکیمی هم برای سفر به شوروی بی پاسخ ماند (مستوفی، ۴۱۸ : ۱۳۷۱).

شهرهای آذربایجان یکی پس از دیگری سقوط می کرد. دکتر مصدق در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۲۴ در مجلس نطقی کرد و طی آن از اوضاع مملکت ابراز نگرانی کرد و به دولت حکیمی پیشنهاد داد که در صورت عدم ترمیم کابینه و کنار گذاشتن عده ای از وزراء استعفا دهد. نگرانی در سراسر کشور بخصوص پایتخت روز افزون بود و مردم در تشویش و اضطراب به سر می بردند (بیانی، ۳۰۴ : ۱۳۷۵). در ۲۷ آذر ۱۳۲۴ حکیمی نطقی ایراد کرد و صریحاً از دولت شوروی به دلیل جلوگیری از حرکت نیروهای ایران به آذربایجان و دخالت در امور ایران انتقاد کرد (ایران نو، ش ۵۹، ۱ : ۱۳۲۴).

در این زمان کمیسیون مرکب از وزیران خارجه انگلیس و آمریکا و روسیه در مسکو تشکیل شد دولت حکیمی برای گشودن گره ی آذربایجان امید خود را به این کمیسیون بسته بود اما در اعلامیه پایانی کنفرانس مسکو هیچ اشاره ای به مساله ایران نشد (خامه ای، ۲۶۹ : ۱۳۵۲). سر ریدربولارد (سفیر انگلیس) پس از بازگشت از کنفرانس مسکو دولت حکیمی را در جریان مذاکرات مسکو گذاشت و طرح کمیسیون سه جانبه را به نام سه دولت به او داد البته نه به صورت تصمیم کنفرانس بلکه به صورت پیشنهاد بدون امضاء. این طرح محرمانه تشکیل یک کمیسیون سه جانبه را از سوی دولت های انگلیس و شوروی و آمریکا در این پیشنهاد می نمود که از کارهای این کمیته تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در استانها و بررسی مشکلات آذربایجان بود (فاوست، ۱۰۳ : ۱۳۷۴).

حکیمی برای بررسی طرح کمیسینی از چند تن از وزراء نمایندگان مجلس را مامور رسیدگی آن کرد. ولی این جریان در خارج منعکس نشد تا روز ۱۰ دی که بی بی سی B.B.C اظهارات برنس وزیر خارجه آمریکا را منتشر میکند پس از آن این مساله مورد توجه و بحث و

انتقاد محافل سیاسی ایران قرار گرفت (نجاتی ، ۱۰۱ : ۱۳۷۷) . آنها این گونه جلوه می دهند که گویا دولت شوروی با تشکیل کمیسیون سه جانبه در کنفرانس مسکو مخالفت کرده ولی دولت حکیمی به پیشنهاد سفیر انگلیس آنرا پذیرفته است و در نتیجه دولت حکیمی را خائن و ایران برباد ده و دولت شوروی راناجی ایران معرفی کردند . در حالی که هیچ دلیل مسلمی بر هیچ کدام از ادعاهای خود نداشتند زیرا اولاً از اظهارات برنس و قرائن دیگر بر می آمد که در کنفرانس مسکو دولت شوروی با اساس تشکیل کمیسیون مخالفت نکرده بلکه با بعضی موارد مطرح بوین موافقت نداشته و در نتیجه پیشنهاد رد نشده بلکه مسکوت مانده است در غیر اینصورت یعنی اگر شوروی صریحاً با تشکیل کمیسیون مخالفت کرده بود، چگونه سفیر انگلیس می توانست آن را به عنوان پیشنهاد به دولت ایران بدهد. ثانیاً دولت حکیمی نیز تشکیل چنین کمیسیونی را پذیرفته بود و نمی توانست بپذیرد چرا که سه دولت هنوز به توافق قطعی نرسیده بودند فقط می توانست نظر و پیشنهاد خود را درباره آن اظهار کند که چنین کاری را نیز فرصت نکرده بود که انجام دهد. حکیمی در واقع پیشنهادی را گرفته بود که این جنجال پیش آمد (خامه ای ، ۴۵۹ ، ۱۳۵۲) .

در جلسه ۲۸ آذر مجلس، دکتر مصدق از دولت و سیاست آن به شدت انتقاد کرد و سرانجام تهرانچی نماینده مردم تهران دولت را استیضاح کرد. (هوشنگ مهدوی ، ۱۱۰ ، ۱۳۷۷) .

روز ۱۶ دی ماه از طرف دکتر مصدق و ۱۶ نفر از نمایندگان مجلس نامه ای به حکیمی نوشته و خواهان اخذ تصمیمات دولت ایران بدون دخالت دولت یا دول خارجی در امور داخلی ایران شدند و هرگونه تصمیم دولت را بدون موافقت شورای ملی خالی از اعتبار دانستند (هوشنگ مهدوی، ۱۰۹ : همان) . با وصول این نامه حکیمی بیست نفر از نمایندگان را به وزارت خارجه دعوت کرد و با حضور نجم وزیر خارجه اظهاراتی درباره پیشنهاد کمیسیون سه جانبه نمود و متن پیشنهاد را در اختیار نمایندگان قرار داد. حکیمی در روز ۱۹ دی ماه ضمن توضیح در باره پیشنهاد مزبور در مجلس عنوان نمود که: کنفرانس وزیران خارجه سه دولت در مسکو تشکیل شد و از طرف آمریکا و انگلیس اظهار شد که با رضایت ایران کمیسیونی به تهران بیاید و مقررات عهد نامه سه جانبه و اعلامیه معروف سران سه دولت را کاملاً مد نظر بگیرد و موجبات خارج شدن نیرو های خارجی را فراهم کنند که دست دولت در عملیات اصلاحات باز شود. دولت پذیرفت مشروط بر آنکه کمیسیون برای مدت قلیلی باشد، هرگاه با این نظریه موافقت شده بود فوراً به اطلاع مجلس رسانده می شد. اما تا کنون جوابی نرسیده است، به نمایندگی ایران در مجمع ملل

متحد دستور داده شد که موضوع ایران را در مجمع عمومی ملل طرح کند و تقی زاده به ریاست هیئت منصوب گردید (صفائی، ۱۰۹: بی تا).

پس از آنکه وزارت خارجه ایران تصمیم را به تقی زاده ابلاغ کرد، بومین وزیر خارجه دولت انگلیس که طرح این موضوع به سازمان ملل رضایت نداشت طی یک تلگراف از بولارد سفیر کبیر دولت انگلیس در تهران خواست که از دولت ایران بخواهد شکایت خود را در شورای امنیت مطرح کند نه در مجمع عمومی، و چنین استدلال کرد که مجمع عمومی سازمان ملل در آغاز تشکیل است و اگر این موضوع در آنجا طرح شد مشکلاتی را در آغاز کار برای مجمع به وجود خواهد آورد (اطلاعات پش ۱۱۹۹۲، ۲: ۱۳۲۵).

در ۲۹ دی ۱۳۲۴ ش حکیمی از هیئت ایرانی در سازمان ملل متحد خواست که موضوع را در شورای امنیت طرح کند. تقی زاده که ریاست هیئت ایرانی را در سازمان ملل متحد به عهده داشت نامه ای به قائم مقام دبیر کل سازمان تسلیم و درخواست کرد و به مداخله روسیه در امور داخلی ایران، رسیدگی می شود (پژوهش جامی، ۳۲۷: ۱۳۷۷).

پنج روز بعد آندری ویشنکی (andrei vyshinsky) رئیس هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد، در پاسخی تند اتهامات را رد و حضور نظامی کشور خود را در ایران توجیه کرد وی منکر شد که نیروهای شوروی با حوادث آذربایجان ارتباط دارند و تاکید نمود که تقاضای ایران بی پایه است. او براین مطلب چنین افزود که مذاکرات اخیر بین دولت با نتایج رضایت بخشی انجام گرفته است (هوشنگ مهدوی، ۴۲۵: ۱۳۸۴). بواسطه تحریکات شدید روس ها و حزب توده و مخالفت با حکیمی او مجبور به استعفا گردید. در نظر داشتند قوام السلطنه را که خیلی به روس ها نزدیک شده بود سرکار بیاورند حکیم الملک چندی مقاومت کرد و انتظار داشت که شکایت را به سازمان ملل داده باشند تا پس از آن استعفا دهد وقتی که شکایت به مجمع سازمان تحویل داده شد حکیمی استعفاداد شکایت ایران به سازمان، بزرگترین خدمت کابینه حکیمی بود (تقی زاده، ۲۷۲، ۱۳۷۲). عده ای عقیده داشتند که حکیمی تحت نفوذ دولت انگلیس و برحسب فشار آن دولت به سازمان شکایت کرد و در صورتی که تقی زاده کراراً مخالفت دولت انگلیس را با شکایت بیان داشته بود (راهنمای کتاب، ش، ۲۰۸: ۱۳۴۹).

این کابینه، کابینه ای بود که تحت فشار مشکلات بی شمار و مبارزات هماهنگ عقیدتی و روانی توان خود را از دست داد و در ۱ بهمن ۱۳۲۴ پس از ۷۶ روز زمامداری استعفای خود را به مجلس داد (عظیمی، ۱۸۸: همان).

سومین کابینه حکیمی ۶ دی ۱۳۲۶ ش برابر ۱۵ صفر ۱۳۶۷ هجری قمری پس از برکناری قوام از نخست وزیری شکل گرفت. در روز یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی از ۱۰۷ تن عده حاضر با ۷۲ رای تمایل به نخست وزیری رضا فاخر (سردار فاخر) رئیس مجلس داد اما وی از قبول مسئولیت خودداری نمود (گفتگو، ش ۲-۱، ۱۵۴: ۱۳۷۲).

حکیمی در دی ماه ۱۳۲۶ کابینه خود را به مجلس معرفی کرد و برنامه های دولت خود را چنین اعلام نمود: فراهم کردن موجبات آسایش طبقات زحمتکشو تعدیل زندگی ملت، حذف اعتبارات غیر ضروری در بودجه، توجه به اعتبارات و مخارج برای آبادانی، سلامت و آسایش عامه، سعی در رعایت دقیق قوانین برای ایجاد اعتماد و اطمینان در مردم، سهل و ساده کردن قوانین دادگستری به منظور تسریع در حل و فصل دعاوی و احقاق مردم، جلوگیری از سوء استفاده هایی که در قانون انحصاری تجارت به زبان عامه می شود، اصلاح و تقویت قوای تأمینیه، اصلاحات در وزارتخانه ها آموزشگاهها موسسات و اجرای قانون تعلیمات اجباری، تقدیم لایحه به مجلس به منظور مداخله مردم در امور محلی خود از قبیل کارهای فرهنگی بهداشتی و ... و سیاست های خارجی دولت همواره سعی کامل در تشدید و تحکیم روابط حسنه و علائق مودت و رعایت کامل احترام متقابل با دولت مخصوصا با ملل همسایه توسعه ارتباط اقتصادی با آنها و وفاداری و علاقه مندی کامل سازمان ملل متحد می باشد (خاور، ش ۷۲، ۲-۱: ۱۳۲۶).

دولت حکیمی قند و شکر را که سابق برای اشخاص معینی اختصاص داشت و توده ملت از آن محروم بودند در دسترس عموم افراد ملت گذاشت. چنانچه قند و شکر آزاد خیلی از نرخ دولتی آن ارزان تر شده و جیره بندی آن خاتمه یافت. اقدام دیگر دولت لغو حکومت نظامی ۲۳ دی، در تهران و توابع بود که مکرر مورد تقاضای مردم و مطبوعات و برخی از نمایندگان مجلس واقع شده بود.

مطبوعات به این مناسبت از دولت قدردانی نمودند. همچنین اتومبیل های دولتی که به بهای چند میلیون تومان خریداری شده و سالیانه چند میلیون هم صرف نگهداری آنها می شد و جمعی بی تناسب از آنها استفاده شخصی می کردند جمع آوری شد. نجم الملک وزیر دارای با سر

سختی جلو اتلاف بودجه‌ها گرفته بود و بسیاری از سرشناسان را از خود رنجانده بود (خاور ، ش ۷۸ ، ۴ : ۱۳۲۶). همچنین دولت قرض ۲۵ میلیون دلاری خرید اسلحه را به ۱۰ میلیون کاهش داد و درنقشه هفت ساله به جای قرض از آمریکا استفاده از عواید نفت جنوب یا استقراض از بانک شاهی را پیش بینی کرد. (خاور ، ش ۸۸ ، ۱۱ : ۱۳۲۶).

کابینه حکیمی از آغاز کار با مخالفت مجلس روبرو شد به هنگام معرفی کابینه عباس اسکندری و غلامحسین رحیمیان دولت را به سبب اینکه موضوع نفت و بحرین را در برنامه خود منظور نکرده مورد حمله قرار دادند (عبدا... ، ۲۱۱ : ۱۳۶۹).

روز ۱۲ دی ۱۳۲۶ آنتونی ایرن وزیر امور خارجه سابق انگلیس و عضو هیئت عامله شرکت های سهامی نفت ایران و انگلیس به تهران آمد و با مقامات دولتی ایران در بحث و مذاکره بود (هوشنگ مهدوی ، ۱۳۲ : ۱۳۷۷). و عاقبت موافقت حاصل شد و صریحاً عنوان نمود که «اولیاء شرکت به هیچ وجه حاضر به تجدیدنظر قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ ش) نیستند» و طرح مذاکرات نفت با شرکت ایران و انگلیس ناکام ماند (صفایی ، ۱۱۰).

ترور محمد مسعود سردبیر روزنامه (مردامروز) از رویدادهایی بود که موقعیت دولت را تضعیف کرد. از نظر سیاست خارجی مسئله نفت و همچنین تحکیم قدرت شاه و هیاهوی مطبوعات و جدال سخت حکیمی با روزنامه نگاران از حوادث مهم دولت چند ماهه حکیمی بود (سفری ۲۳۶ : ۱۳۷۱). دولت حکیمی در اوایل اسفند ۱۳۲۶ مورد استیضاح مجلس قرار گرفت و مخالفت نمایندگان با دولت همچنان ادامه داشت چنانکه در جلسه ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ مجدداً حکیمی در موارد؛ سوء سیاست دولت در امور خارجی، عدم رعایت حفظ وحدت ایران، سیاست اقتصادی کشور و عملیات خلاف قانون استیضاح شد. اما در ۱۶ اردیبهشت دولت با ۶۷ رای موافق در مقابل ۲۱ رای مخالف تثبیت شد (کیهان ، ش ۱۴۷۷ ، ۱ : ۱۳۲۶).

حکیمی با وجود مخالفان سرسختی که داشت فکر رفتن نمی کرد و گاه قدم های مثبتی بر می داشت از جمله تنظیم لایحه برنامه هفت ساله کشور بود که به منظور اصطلاحات اقتصادی و اداری و صنعتی با مطالعه بسیار و با مشورت کارشناسان تقدیم مجلس شد. لایحه مجلس سنا نیز از سوی دولت حکیمی با فشار شاه در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۷ به مجلس داده شد (پژوهش جامی ، ۴۷۵ : همان)

اعضای فراکسیونهای دموکرات ایران، فراکسیون ملی و طرفداران قوام در بر انداختن دولت حکیمی متحد گشتند هژیر که خود از اعضای کابینه بود هر چه در توان داشت انجام داد تا کابینه را ساقط کند. سهیلی و هژیر وزرای مشاور کابینه حکیمی در مجلس دوستان موثری داشتند و مخفیانه فعالیت می کردند (همایون کاتوزیان، ۸۱: ۱۳۷۸).

وضع کابینه متزلزل بود مخالفین دولت در مجلس زیاد بودند مخصوصا اختلاف بین وزیر دارائی (نجم الملک) و وزیر مشاور (هژیر) که در مجلس علنی شده بود (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم، ۳۰۱۱ - ۳۰۱۲: ۱۳۲۷). در داخل مجلس (فراکسیون سردار فاخر) که یکی از عوامل روی کارآمدن دولت حکیمی بود، از مدتی پیش رویه مخالفتبا دولت را پیش گرفت (آهنگ نو، ش ۷، ۱: ۱۳۲۷). دولت در مجلس اکثریت نداشت. دولت حکیمی در ۱۸ خرداد ۱۳۲۷ پس از گزارشی که هژیر و زیر مشاور از دوره چند ماهه نخست وزیری حکیمی ارائه داد تقاضای رای اعتماد نمود. از مجموع نمایندگان حاضر در جلسه ۵۸ رای ممتنع و ۳۸ رای اخذ شد و دولت سقوط کرد. حکیمی علت استعفا را اختلاف آرا و تشتت شدید نمایندگان بیان کرد و اظهار امیدواری نمود که نمایندگان از دولت آتی کمال حمایت را نمایند. حکیمی اظهار نمود از اینکه در دوره زمامداری به میهن خدمت نمودم خوشوقتم و در پیش وجدانم مطمئنم که خطائی مرتکب نشده ام (اطلاعات، ش ۵۹۶۴، ۱: ۱۳۲۴).

سرانجام در روز ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ در یک جلسه خصوصی برای نخست وزیری نظرخواهی و نمایندگان به هژیر ابراز تمایل کردند و کابینه هژیر روی کار آمد (مراغه ای، ۲۴۰: ۱۳۷۳). حکیمی در مهرماه ۱۳۳۸ پس از بازگشت از مراسم گشایش آرامگاه نادر در مشهد در ۲۷ مهر در گذشت (صفایی، ۱۴۰: همان). و در ابن بابویه شهر ری دفن شد (اطلاعات سالانه، ش ۱، ۱۴: ۱۳۳۹).

نتیجه

ابراهیم حکیمی (حکیمی الملک) از رجال دوره قاجار و پهلوی بود. او به واسطه نفوذ خانوادگی خود در دستگاه حکومت توانست به مقامات بلندی منصوب شود وی نخستین کسی بود که به ایجاد مدرسه برای احیاء و ترویج صنایع مستظرفه همت گماشت و در سال ۱۳۱۳ مامور تعلیم احمد شاه شد و برای او دبستانی در دربار دایر کرد.

حکیمی فردی وطن پرست و آزادی خواه بود و عاشق کتاب بود. در کتابخانه او پیش از ۳۵۰۰ جلد کتاب خوش جلد و نفیس موجود بود و به ادبیات و هنر علاقه سرشاری داشت. در صحنه سیاسی دوران شش پادشاه حضور داشت (ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمد شاه، رضاشاه، محمدرضاشاه) نمی توان مدعی اقدامات بزرگ و مثبتی از سوی او بود. او هیچ گاه از قدرت و مقامش سوء استفاده نکرد بطورکلی روشنفکر و خوشنام بود.

منابع مأخذ

کتابها:

۱. ابراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروز مند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ دوم.
۲. ----- (۱۳۷۶)، مقالاتی در جامعه شناسی ایران، ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی، تهران، انتشارات شیرازه.
۳. اتابکی، تورج (۱۳۷۶)، آذربایجان در ایران معاصر، محمد کریم اشراق، تهران، انتشارات توس.
۴. بیانی، خان بابا (۱۳۷۵)، غائله آذربایجان، تهران، انتشارات زریاب.
۵. تقی زاده، سید حسن (۱۳۷۲)، زندگی طوفانی خاطرات سید حسن تقی زاده، به کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم.
۶. حکیمی، محمود (۱۳۸۱)، رودخانه خروشان عشق نگاهی به افکار و اندیشه ها و مبارزات سید حسین فاطمی، تهران، انتشارات قلم.
۷. خامه ای، انور (۱۳۷۲)، خاطرات سیاسی پنجاه نفر و سه نفر فرصت بزرگ از دست رفته از انشعاب تا کودتا، تهران، نشر علم و گفتار.

۸. ریاحی، منوچهر (۱۳۷۱)، سراب زندگی گوشه های مکتوبی از تاریخ معاصر ایران، تهران، انتشارات تهران.
- ۹- سفری، محمد علی، (۱۳۷۱)، قلم و سیاست از استعفای رضا شاه تا سقوط مصدق، تهران، انتشارات نامک، چاپ دوم.
۱۰. سیف پور فاطمی (۱۳۷۹)، نصرا... گزند روزگا خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ دوم جهانی مجلس چهارم و بحران آذربایجان ۱۳۵۲-۱۳۱۷، تهران انتشارات شیرازه، چاپ اول.
۱۱. صفایی، ابراهیم، نخست وزیران، انتشارات انجمن کتاب.
۱۲. عبدا. پور، احمد (۱۳۶۹)، نخست وزیران ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول.
۱۳. عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، بحران دمکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۳، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۴. فاوست، لوئیس (۱۳۷۴)، ایران و جنگ سرد بحران آذربایجان (۲۵-۱۳۲۴)، ترجمه: کاظم بیات، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۱۵. فرمان فرمائیان، محمد ولی میرزا (۱۳۸۲)، از روزگار رفته حکایت پراکنده ها، جلد ۳، به کوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و بهمن فرمان، تهران، انتشارات سیامک.
۱۶. گذشته چراغ راه آینده است تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲-۱۲۹۹، (۱۳۷۷)، پژوهش جامی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ ششم.
- ۱۷- مراغه ای، محمدساعدا، (۱۳۷۳)، خاطرات سیاسی محمدساعدا مراغه ای، بکوشش باقر عاقلی، نشر نامک، تهران.
۱۸. مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه، جلد ۳ و ۱، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم.
- ۱۹- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۰)، تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، انتشارات روزنه، تهران.
۲۰. ملکزاده، مهدی (۱۳۳۲)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۶، تهران، انتشارات ابن سینا.
۲۱. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، مصدق سالهای مبارزه و مقاومت، جلد اول، تهران، انتشارات رسا.
۲۲. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۸)، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه: فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.

۲۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم.
۲۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۷)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران، انتشارات پیکان، چاپ چهارم.

مقالات:

۱. آراسته، نادر، (۱۳۷۴)، «رای عدم اعتماد»، سالنامه دنیا، شماره ۲۵، ص ۲۷۸.
۲. تفرشی، مجید، (۱۳۷۲)، «سقوط قوام السلطنه»، گفتگو، شماره ۱-۲، ص ۱۵۴.
۳. تقی زاده، سید حسن، (۱۳۴۸)، «خاطرات پراکنده مشروطیت»، سالنامه دنیا، شماره ۲۵، تهران، موسسه چاپ کیهان، ص ۳۰۴.
۴. -----، (۱۳۲۷)، «حکیم الملک»، اطلاعات ماهانه، شماره ۱، ص ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۸.
۵. شبفته، نصر...، (۱۳۲۶)، «حکیم الملک»، مرد امروز، شماره ۱۳۱، ص ۳.
۶. عاقلی، باقر، ۱۳۳۸، «۵۳ سال مشروطه»، خواندنیها، سال سوم، شماره ۱۹، ص ۲۱.
۷. مجتهدی، مهدی، (۱۳۴۹)، «تقی زاده از نگاه سه دولت»، راهنمایی کتاب، شماره ۳ و ۴.
۸. مسعودی، (۱۳۲۸)، «سنا تشکیل می شود»، اطلاعات، سال بیست و چهارم، شماره ۶۹۹۴.

نشریات:

۱. آهنگ نو، سال اول، شماره ۷، چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۷، ص ۱.
۲. ایران نو، سال اول، شماره ۵۹، پنج شنبه ۲۹ آذر ۱۳۲۴، ص ۱.
۳. اطلاعات، سال نوزدهم، شماره ۵۷۵۸، یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴، ص ۱.
۴. اطلاعات، سال نوزدهم، شماره ۵۷۳۶، ۲۸ فروردین ۱۳۲۴، ص ۱.
۵. اطلاعات، سال نوزدهم، شماره ۵۸۱۶، ۲ خرداد ۱۳۲۴، ص ۱.
- ۶- اطلاعات، سال نوزدهم، شماره ۵۸۱۹، ۳۰ مهر ۱۳۲۴، ص ۱.
- ۷- اطلاعات، سال نوزدهم، شماره ۵۹۶۴، ۱ بهمن ۱۳۲۴، ص ۱.
۸. اطلاعات سال بیستم و دوم، شماره ۶۵۷۷، شنبه ۸ اسفند ۱۳۲۶، ص ۱.
۹. اطلاعات سال چهلم، شماره ۱۱۹۹۲، پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۲۵، ص ۲.

۱۰. اطلاعات سالانه، شماره ۱، ۱۳۳۹، ص ۱۴.
۱۱. خاور، سال سوم، شماره ۷۲، چهارشنبه ۹ دی ۱۳۲۶، ص ۱۰۳.
۱۲. خاور، سال سوم، شماره ۷۸، چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۲۶، ص ۴.
۱۳. خاور، سال سوم، شماره ۸۸، شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۲۶، ص ۱.
۱۴. روزنامه ایران سلطانی، سال ۵۶، شماره ۱۹، تهران، ۱۱ رمضان ۱۳۲۱، ص ۲.
۱۵. سالنامه دنیا، شماره ۱، چاپ دوم، ۱۳۲۷، ص ۹۱.
۱۶. سالنامه دنیا، شماره ۲۹، تهران، ۱۳۵۲، ص ۸۱، ۲۶۹.
۱۷. کیهان، سال ششم، شماره ۱۴۷۷، ۸ اسفند ۱۳۲۶، ص ۱.
۱۸. یغما، سال دوم، شماره هشتم، آبان ۱۳۲۸، ص ۳۹۲.
۱۹. یغما، سال سوم، شماره هشتم، تهران، ۱۳۲۹، ص ۳۴۰.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی:

۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهاردهم، سال اول، شماره ۷۷، جلسه ۲۹، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۴، صص ۲۹۵-۲۹۶.
۲. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره پانزدهم، سال چهارم، شماره ۹۴۴، جلسه ۲۶، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۷، ص ۳۰۱۱، ۳۰۱۲.
۳. صورت مذاکرات مجلس موسسان، جلسه ۱، شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۸، ص ۱.
۴. صورت مذاکرات مجلس سنا دوره دوم، دوره دوم، سال دهم، شماره ۲۶۸۱، جلسه ۲۸، ۲ فروردین ۱۳۳۳، ص ۲.